

هدف بانکداری بدون ربا:

حداکثرسازی سود یا حداکثرسازی رفاه؟

تدوین: اکبر کشاورزبان پیوستی*

بانکی ایران، نه تنها باعث ائتلاف منابع در سطح ملی و سیستم بانکی شده، بلکه به علت فقدان زبان مشترک در بین مسوولان پولی و بانکی، رسیدن به اهداف مورد نظر را هم دشوار کرده است.

نوشته حاضر با استفاده از مبانی تئوریک اقتصاد و ریشه‌یابی نظام بانکداری بدون ربا، به دنبال اعلام این واقعیت است که حداکثرسازی سود و حداکثرسازی رفاه در نظام بانکداری ایران، اهداف یکسان و مشترکی می‌باشند و لازم و ملزوم یکدیگرند. به عبارت دیگر، هیچگونه تناقضی بین حداکثرسازی سود و حداکثرسازی رفاه در بانکداری دولتی ایران وجود ندارد و سیستم بانکی به عنوان یک موسسه مالی (بنگاه اقتصادی) بایستی به دنبال حداکثرسازی سود باشد تا به هدف دوم، یعنی حداکثرسازی رفاه جامعه هم دست یابد. بانک‌ها در ایران نباید نگران عدالت اجتماعی باشند، چرا که اجرای آن توسط یک موسسه مالی غیرتخصصی (به‌واقع) غیرممکن بوده و فسادآور است، چرا که سیستم اقتصادی و بودجه‌ریزی کشور با تخصیص بهینه منابع و با استفاده از سازمان‌های تخصصی در بسط عدالت اجتماعی عملکرد موفقی خواهد داشت، به ویژه این که سود



ب - حداکثرسازی سود: رویکرد دوم، بانک را به عنوان یک موسسه مالی قلمداد کرده و میزان کارایی آن را با معیار سودآوری ارزیابی می‌کند. این گروه به فضای رقابتی و اقتصاد آزاد اعتقاد دارد و تنها راه افزایش کارایی و بهره‌وری نظام بانکی را همانند سایر بنگاه‌های اقتصادی، در حداکثرسازی سود جستجو می‌کند. این متفکران بانک را همانند سایر واحدهای خدماتی در جامعه اسلامی قلمداد می‌کنند و معتقدند که بانک نیز بایستی در جامعه اسلامی سودآور باشد (همانند تمام امور تولیدی و بازرگانی که اسلام آنها را مجاز به کسب سود در جامعه کرده است). این ناهماهنگی و تضاد در اهداف نظام بانکداری و فقدان یک رویکرد مشترک در خصوص اهداف نظام

مقدمه

نظام بانکداری ایران، در عرصه جهانی شدن، اقتصاد آزاد و چالش خصوصی‌سازی با یک پارادوکس مهم دست به گریبان است. متفکران اقتصادی و اندیشمندان مسایل بانکی با دو رویکرد: (۱) حداکثرسازی سود و (۲) حداکثرسازی رفاه (بسط عدالت اجتماعی) در بانکداری ایران مواجهند که در تحلیل امور بانکی و ترسیم و افق آینده بازار پول، یک دوگانگی و تناقض ایجاد کرده است.

الف - حداکثرسازی رفاه: اندیشمندانی که معتقد به حداکثرسازی رفاه هستند، نظام بانکداری بدون ربا را تنها وسیله‌ای برای انجام امور بازرگانی و تولیدی قلمداد نمی‌کنند و نظام بانکی را وسیله‌ای برای رشد و شکوفایی اقتصادی بشمار می‌آورند. این گروه (با استناد به قانون بانکداری بدون ربا) اعتقادی به حداکثرسازی سود در بانک‌ها ندارند و هدف اصلی بانکداری بدون ربا را حداکثرسازی رفاه جامعه و بسط عدالت اجتماعی می‌دانند.

■ ■ ■
بانک‌های ایران نباید نگران عدالت اجتماعی باشند، بلکه به عنوان یک موسسه مالی، بایستی به حداکثرسازی سود مبادرت ورزند.
■ ■ ■

* کارشناس امور اقتصادی بانک سپه، مدیریت امور مناطق و شعب.

حاصل از بانک‌ها نیز در طرف منابع بودجه منعکس می‌شود.

قسمت نخست این مقاله خاستگاه بانکداری دولتی و نظام بانکی بدون‌ربا در ایران را بررسی کرده و شرایط اقتصادی و منحصر به فرد آن دوره را بازنمایی می‌کند. مباحث تئوریک مربوط به حداکترسازی سود یک بنگاه اقتصادی و تطابق آن با حداکترسازی رفاه در شرایط رقابت کامل، قسمت بعدی این نوشته است. در ادامه مقاله هم به حداکترسازی سود در نظام بانکی ایران پرداخته و سرانجام از مباحث عنوان شده یک نتیجه‌گیری به عمل می‌آید.

بانکداری بدون‌ربا

با شروع جنگ سرد (نیمه دوم قرن بیستم) و اعلام استقلال بیشتر کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای اسلامی، فرایند بازگشت به خویشتن و احیای ارزش‌های اسلامی وارد مرحله جدیدی شد. این فرایند در عرصه بانکداری (به علت تحریم ربا در اسلام) با شدت بیشتری همراه بود. اولین موسسات بانکداری اسلامی در دهه ۱۹۶۰ با ابتکار عمل دکتر احمدالنجار با مقیاس کوچک در مصر به‌وجود آمدند (وزارت امور اقتصادی و دارایی / ۱۳۷۴) و گسترش یافتند. در حال حاضر، بانک‌های اسلامی با شبکه گسترده در بیش از ۶۰ کشور و دارایی افزون بر ۱۶۶ میلیارد دلار، نقش موثر و پویایی را در اقتصاد کشورهای متبوعه خود ایفا می‌کنند (کبیر حسن / ۱۳۸۲). سهم بانک‌های اسلامی در بازار نیز از حدود دو درصد در دهه ۱۹۷۰، به حدود ۱۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ میلادی افزایش یافته و این امر بیانگر تجربه موفقیت‌آمیز بانکداری اسلامی و حذف نرخ بهره ثابت از معاملات مالی است.

تفکر بانکداری بدون‌ربا در ایران با پیروزی انقلاب به وجود آمد و در سال ۱۳۶۲ در نظام بانکی

جمهوری اسلامی ایران در سطح گسترده اجرا شد. ملی‌کردن بانک‌ها اولین تحول در نظام بانکی ایران بعد از انقلاب بود. قبل از پیروزی انقلاب ۳۶ بانک در کشور فعالیت می‌کردند که هشت بانک دولتی، ۱۶ بانک خصوصی با مالکیت ایرانی و ۱۲ بانک خصوصی با مالکیت ایرانی و خارجی بودند. الزامات انقلاب، فرار بانکداران، انتقال سپرده‌ها به خارج توسط بانک‌های خصوصی، سلب اعتماد مردم نسبت به بانک‌ها و هجوم مردم برای دریافت سپرده‌ها، وصول‌نشدن مطالبات بانک‌ها، ورشکستگی بیشتر بانک‌های خصوصی و درنهایت لزوم رفع وابستگی کشور و به‌کار انداختن چرخ‌های تولیدی، موجب شدند که بانک‌های خصوصی براساس قانون ملی‌کردن بانک‌ها (مصوبه مورخه ۵۸/۳/۱۷) ملی اعلام شوند.



ملی‌کردن بانک‌ها باعث شد که هزینه‌های پرسنلی و اداری بانک به شدت بالا برود و به علت تنوع و گستردگی بانک‌ها، مدیریت مطلوبی از طرف بانک مرکزی بر بانک‌ها اعمال نشود. برای حل این مشکل، شورای عالی بانک‌ها، طرح ادغام بانک‌ها را پیشنهاد کرد. این پیشنهاد در جلسه مورخه ۵۸/۷/۲۵ مجمع عمومی بانک‌ها به تصویب رسید و از آذر ۱۳۵۸ به طور رسمی به مرحله اجرا درآمد (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۵۸).

سپس طی تبصره ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۰، دولت موظف شد که برای حذف ربا از سیستم بانکی، مطالعات لازم را انجام دهد و لایحه تنظیم‌شده را به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. این مطالعات در بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام شد و با تلفیق آن، لایحه عملیات بانکی بدون‌ربا (شامل ۵ فصل و ۲۷ ماده) در هشتم شهریورماه

۱۳۶۲ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. براساس قوانین پولی و بانکی کشور، سودآوری در نظام بانکی هدف نبوده و بانک‌ها با عنایت به ماهیت آنها در نظام تصمیم‌سازی کشور، حساسیت زیادی روی آن (سودآوری) ندارند. این امر در اغلب موارد باعث ائتلاف منابع شده و کارایی و بهره‌وری نظام بانکی را متاثر کرده است، یعنی به علت عدم توجه به میزان سودآوری بانک‌ها در سطح کلان، بانک‌های عامل نیز به سمت سودآورنمودن موسسه خود سوق داده نمی‌شوند.

میزان سود بانک‌های عامل تنها در بودجه کشور منعکس می‌شود و بانک‌ها (همانند سایر موسسات و سازمان‌ها) پیش‌بینی درآمد و هزینه خود را طوری تنظیم می‌نمایند که سودآوری زیادی نداشته باشند! بنابراین، برای تحقق تخصیص بهینه در نظام بانکی و جلوگیری از ائتلاف منابع، باید مکانیزمی جهت ایجاد انگیزه در بانک‌ها سازماندهی شود. یکی از این راهکارها که در برنامه چهارم توسعه هم به آن تاکید شده است، خصوصی‌سازی بانک‌ها و نگاه بنگاه اقتصادی داشتن نسبت به نظام بانکی کشور است.

نتیجه‌گیری موقت: چنانچه از بند دوم مقاله استنباط می‌شود، نظام بانکی با درک این واقعیت که بعد از ملی‌شدن بانک‌ها (بعد از انقلاب)، مدیریت بر منابع مالی و انسانی آنها پرهزینه شده است، با فاصله زمانی شش‌ماهه، طرح ادغام بانک‌ها را برای افزایش کارایی و تخصیص بهینه در نظام بانکی اجرا کرد. این موضوع بیانگر حساسیت مسوولان پولی کشور نسبت به مساله کارایی بانک‌ها است و به نظر می‌رسد که اگر شرایط جنگ و الزامات حضور دولت در عرصه اقتصاد مطرح نمی‌شد، بانک‌ها در فاصله زمانی کوتاهی برای ارتقای کارایی، خصوصی می‌شدند.

حداکترسازی سود یا حداکترسازی رفاه

از لحاظ تئوریک، بنگاه‌های با مالکیت دولتی علاقمند به حداکترسازی رفاه و واحدهای خصوصی علاقمند به حداکترسازی سود هستند. حال این سوال مطرح است که آیا تغییر جهت بنگاه‌های دولتی از

آیا تغییر جهت بنگاه‌های دولتی از

حداکترسازی رفاه به حداکترسازی سود،

مبادله رفاه با سود بشمار می‌آید؟

حداکثرسازی رفاه به حداکثرسازی سود، مبادله رفاه با سود بشمار می‌آید؟

سوال فوق‌نهایتها از نظر مبانی تئوریک قابل طرح است، بلکه در وضعیت کنونی که اقتصاد ایران به سمت خصوصی‌سازی حرکت می‌کند و در برنامه‌های توسعه بر آن تاکید می‌شود، به عنوان یک چالش اساسی مطرح شده است. برنامه چهارم توسعه بر خصوصی‌سازی تمام بانک‌های دولتی (به غیر از بانک ملی) اشاره دارد. آیا انتقال فعالیت بانک‌های دولتی به بخش خصوصی، مبادله رفاه با سود در جامعه است؟ همه اندیشمندان اقتصادی در مورد لزوم افزایش کارایی و بهره‌وری بخش خصوصی اتفاق نظر دارند، اما این که حرکت به سمت خصوصی‌سازی، سطح رفاه جامعه را کاهش می‌دهد یا نه، سوالی است که در این قسمت با بهره‌گرفتن از مبانی اقتصادی به آن پاسخ می‌دهیم.

مباحث نظری اقتصاد در خصوص مقایسه بنگاه‌های دولتی و خصوصی به این نکته تاکید دارند که اگر شرایط و فضای رقابتی در صنعت موردنظر حاکم باشد، هدف حداکثرسازی سود با حداکثرسازی رفاه انطباق دارد (متوسلی / ۱۳۷۳).

بنابراین، اگر دولت در برنامه چهارم توسعه با ایجاد شرایط رقابت کامل در صنعت بانکداری کشور، بانک‌های دولتی را خصوصی نماید و بانک‌ها به علت ماهیت خصوصی، اقدام به حداکثرسازی سود نمایند، مآلاً رفاه اجتماعی نیز حداکثر خواهد شد. در وضعیت کنونی هم دولت بایستی در اندیشه ایجاد مکانیزم‌هایی در صنعت بانکداری کشور برای ایجاد شرایط رقابتی باشد و همه بانک‌ها حداکثرسازی سود را در مدنظر قرار دهند تا در سال‌های باقیمانده از برنامه چهارم آمادگی لازم برای خصوصی‌سازی و حصول حداکثر رفاه جامعه و حداکثر سود برای بانک‌ها به وجود آید.

نهادینه‌شدن هدف حداکثرسازی سود در بانک‌ها،

با توجه به این که در حال حاضر، بیشتر بانک‌ها دولتی هستند و سود آنها در بودجه منعکس می‌شود، لذا نهادینه‌شدن حداکثرسازی سود در بانک‌ها، مآلاً باعث توزیع مجدد درآمدها شده و سطح رفاه اجتماعی را افزایش خواهد داد.

الزامات مربوط به آزادسازی سود در نظام بانکی کشور را به وجود می‌آورد و با تعیین نرخ سود در بازار پول، یکی از مهمترین ابزارهای پولی کشور احیا می‌شود و نویدبخش ثبات اقتصادی کشور در بخش مالی خواهد بود.

حداکثرسازی سود در نظام بانکی کشور

برای هماهنگ‌شدن با برنامه‌های توسعه کشور، جلوگیری از اتلاف منابع مالی و انسانی در بانک‌ها و سایر سازمان‌ها، تخصیص بهینه منابع، حذف رانت، کاهش فساد اداری، حرکت به سمت اقتصاد بازار، آزادسازی سود و... بانک‌ها بایستی حداکثرسازی سود را هدف قرار دهند و مدیریت مالی و منابع انسانی خود را با این بینش توسعه دهند. هدف حداکثرسازی سود با ایجاد فضای رقابتی در بازار پول کشور و خصوصی‌شدن بانک‌ها منجر به حداکثرسازی رفاه در جامعه نیز خواهد شد.



از سوی دیگر، در وضعیت کنونی نیز حداکثرسازی سود در بانک‌ها با توجه به دولتی‌بودن بانک‌ها و مکانیزم بودجه‌ریزی کشور، سطح رفاه و عدالت اجتماعی را در جامعه ارتقا می‌دهد.

با تکیه بر ادبیات اقتصاد رفاه، حداکثرسازی سود در نظام بانکی کشور را می‌توان به عنوان توزیع مجدد درآمدها نیز معرفی نمود. یکی از مباحث اساسی در اقتصاد بخش عمومی (رفاه)، توزیع مجدد درآمدها است. سیاستگذاران اقتصاد یک کشور برای بسط عدالت اجتماعی و افزایش سطح رفاه، از ابزار مالیات استفاده می‌کنند و توزیع مجدد درآمد را در جامعه انجام می‌دهند تا افراد کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه را منتفع نمایند.

به عبارت ساده‌تر، دولت از افراد با درآمد بالاتر

مالیات اخذ می‌کند و آن را به صورت یارانه به افراد کم‌درآمد تخصیص می‌دهد. در این مبادله، چون کاهش درآمد افراد ثروتمند، رفاه (مطلوبیت) آنها را کمتر کاهش می‌دهد و در عوض ارایه یارانه (همان درآمد) به افراد با درآمد پایین، رفاه (مطلوبیت) آنها را به مراتب بیشتر افزایش می‌دهد، در نتیجه، سطح کل رفاه در جامعه افزایش می‌یابد. در سیستم بانکی نیز با هدف قراردادن حداکثرسازی سود، علاوه بر افزایش کارایی و تخصیص بهینه منابع در کشور (به دلیل این که سود حاصله را دولت اخذ نموده و در بودجه منظور می‌نماید)، یک توزیع مجدد نیز در جامعه صورت می‌گیرد و سطح رفاه را افزایش می‌دهد. اهمیت فوق‌العاده این موضوع زمانی بر جسته‌تر می‌شود که به علت فرار مالیاتی در کشور، توزیع مجدد درآمدها با مشکل روبروست و دولت حدود ۳۰ درصد از مخارج خود را از درآمدهای مالیاتی تامین می‌کند.

بانک‌ها با هدف حداکثرسازی سود به مدیریت مطلوب منابع مالی خود می‌پردازند و از مشتریان خود (که اغلب افراد پردرآمد جامعه از قبیل بخش‌های موفق تولیدی، بازرگانی و خدمات هستند)، سود دریافت می‌دارند و با افزایش سودآوری، بودجه دولت را تقویت می‌نمایند که این سود می‌تواند در افزایش سطح رفاه جامعه نقش اساسی را ایفا نماید.

نتیجه‌گیری

(۱) براساس مبانی تئوریک، در فضای رقابتی، حداکثرسازی سود بنگاه‌ها با حداکثرسازی رفاه اجتماعی انطباق دارد.

(۲) دولت در دهه اخیر حرکت به سمت فضای رقابتی و اقتصاد بازار را شروع کرده و در برنامه سوم و چهارم توسعه بر آن تاکید کرده است، به طوری که برنامه چهارم خصوصی‌سازی همه بانک‌ها (به غیر از بانک ملی) را هدف قرار داده است. بنابراین، بایستی بانک‌ها نیز با سیاست‌های دولت همگام شوند و حداکثرسازی سود را هدف قرار دهند و نگران حداکثرسازی رفاه نباشند، چرا که در فضای رقابتی هر دو هدف فوق برهم منطبق‌اند.

بانک مرکزی باید برای نهادینه‌شدن حداکثرسازی سود در بانک‌ها، مکانیزم‌های تشویقی مناسبی را به کار گیرد.

ارزاق و بنزین و...) مشهود است. اما هم‌اکنون که الزامات و شرایط جنگ تغییر یافته، بانک‌ها بایستی به عنوان بنگاه‌های اقتصادی عمل نمایند و به حداکثرسازی سود بپردازند.

۱۴) پیشنهاد می‌شود که برای نهادینه‌شدن حداکثرسازی سود در بانک‌ها، بانک مرکزی مکانیزم‌های تشویقی مناسب را برای بانک‌های سودآور سازماندهی نماید. این کار باعث افزایش کارایی بانک‌ها می‌شود و بانک‌ها به عنوان موسسات مالی پویا، عملیات بانکی و مالی خود را به صورت مطلوبی مدیریت خواهند نمود. ■

منابع و مأخذ

- ۱) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۵۸ / طرح ادغام بانک‌ها / اداره بررسی‌های اقتصادی.
- ۲) خان، محسن و عباس میرآخور / ۱۳۷۰ / مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی / ترجمه: محمد ضیایی بیگدلی / تهران / موسسه بانکداری ایران.
- ۳) ضیایی، منوچهر / ۱۳۷۲ / مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مربوط / تهران / موسسه تحقیقات پولی و بانکی / جلد‌های اول و دوم و سوم.
- ۴) عبادی، جعفر / ۱۳۷۰ / اقتصاد خرد - بازارها، تعادل عمومی، رفاه اقتصادی / تهران / سمت.
- ۵) کبیرحسن، محمد / ۱۳۸۲ / تعیین عوامل سودآوری بانک‌های اسلامی / مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی / تهران / پژوهشکده پولی و بانکی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۶) متوسلی، محمود / ۱۳۷۳ / خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار / تهران / موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۷) والی‌نژاد، مرتضی / ۱۳۶۸ / مجموعه قوانین و مقررات بانکی / تهران / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۸) وزارت امور اقتصادی و دارایی / ۱۳۷۴ / ارزیابی بانکداری بدون ربا در ایران / تهران / معاونت امور اقتصادی.

بانکی کشور در قالب بانکداری بدون ربا، در آینده‌های نزدیک منجر به نهادینه‌شدن آزادسازی نرخ سود در نظام بانکی کشور خواهد شد و مهمترین تحول در نظام بانکی کشور را رقم خواهد زد.

۱۱) آزادسازی نرخ سود، باعث احیای یکی از مهمترین ابزارهای سیاست پولی می‌شود، ابزاری که در ثبات و پویایی اقتصاد کشور نقش اساسی دارد. ۱۲) بعد از ملی‌شدن بانک‌ها در سال ۱۳۵۸، هزینه‌های پرسنلی و اداری بانک‌ها به شدت افزایش یافت و دولت برای جلوگیری از اتلاف منابع مالی و انسانی، طرح ادغام بانک‌ها را به اجرا گذاشت. اگر جنگ شروع نمی‌شد و شرایط ویژه‌ای در کشور حاکم نمی‌گردید، دولت برای افزایش کارایی بانک‌ها سریعاً نسبت به خصوصی‌سازی نظام بانکی اقدام می‌کرد.



۱۳) مطالعه انجام‌شده نشان می‌دهد که علت ادامه وضعیت بانک‌ها به صورت ملی‌شده، همانا پدیده جنگ می‌باشد. ایران نیز همانند سایر کشورهای جهان که در زمان جنگ تمام نیروهای داخلی را برای پیروزشدن در جنگ بسیج می‌نمایند و بدنه دولت را به شدت گسترش می‌دهند، از بانک‌های تجاری ملی‌شده به عنوان بانک‌های توسعه‌ای استفاده کرد و آنها را در خدمت مردم و جنگ قرار داد. این امر در تنوع کارهای بانکی (مانند توزیع کوپن

۳) نهادینه‌شدن حداکثرسازی سود در بانک‌ها در وضعیت کنونی که بیشتر بانک‌ها دولتی هستند و سود بانک‌های دولتی هم در بودجه منعکس می‌شود، باعث توزیع مجدد درآمدها شده و سطح رفاه اجتماعی را افزایش خواهد داد.

۴) دولت با استفاده از سود بانک‌ها می‌تواند سیاست توزیع مجدد را اجرا کند و در بسط عدالت اجتماعی و رفاه عملکرد بهتری داشته باشد.

۵) هدف‌گذاری حداکثرسازی سود در بانک‌ها باعث افزایش کارایی و بهره‌وری بانک‌ها، تخصیص بهینه منابع در کشور، کاهش رانت و فساد اداری و... در جامعه می‌شود.

۶) هدف قراردادن حداکثرسازی سود، مدیریت بانک‌های دولتی را ترغیب می‌نماید تا تمرکززدایی و مقررات‌زدایی را که مقدمه‌ای بر خصوصی‌سازی است، شروع نمایند.

۷) نهادینه‌شدن حداکثرسازی سود در موسسات مالی (بانک‌ها) باعث می‌شود که سطح دخالت دولت در بانک‌ها کاهش یافته و امور تکلیفی به حداقل برسد، نکته‌ای که در برنامه‌های توسعه نیز موردنظر بوده است.

۸) کاهش امور تکلیفی نه تنها منجر به افزایش کارایی بانک‌ها می‌شود، بلکه بخش عظیمی از نیروهای انسانی و فیزیکی ادارات و سازمان‌های مختلف در سطح کشور را (که برای تخصیص منابع بانک‌ها صرف می‌شود و تا به حال در هدایت منابع بانکی عملکرد موفقی نداشته‌اند) آزاد می‌نماید و تخصیص بهینه با "دست نامریی" بازار به صورت بهینه صورت می‌پذیرد.

۹) کاهش امور تکلیفی در راستای اجراءشدن حداکثرسازی سود در بانک‌ها، رانت را در نظام بانکی از بین می‌برد و فساد اداری را در سطح سازمان‌ها و ادارات کاهش می‌دهد.

۱۰) نهادینه‌شدن حداکثرسازی سود در نظام

ما را از پیشنهادها و نظریات خود بهره‌مند کنید.